



شعبه انگلیسی و سنی آمریکایی دو لبه‌ی یک قیچی •
 هستند سعيشان اين است مسلمانان را به جان هم بيندازند و به
 آتش اختلافات بدمند

مدیر مسئول: مرگان صلاهی
 سر دبیر: زهرا ذوالفقاری
 ویراستار: زهرا احمد زاده
 نویسندگان: مرضیه انبری، فاطمه علیزادینا، زینب رستگار پناه
 فاطمه فاضلی نیک، پریسا تیموری
 صفحه آرا: بهار سعیدی

تعارف

نشریه
 دانشجویی

ماهنامه سیاسی
 انجمن اسلامی دانشجویان
 دانشگاه آزاد اسلامی (س)

آنچه بی‌تعارف
 خواهید خواند

- ۱. نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ
- ۲. صلحی کشته‌تر از زهر
- ۳. زلزله معاشان
- ۴. قانون اساسی و خلاء های آن
- ۳. catsa
- ۴. معصومیت از دست رفته
- ۴. انتقال پایتخت!!

سخن سردبیر

یادش بخیر پارسال چنین روزی به سری دانشگاه
 نمای آزادی خواه (البته از نوع برهنگی) به اسم
 آزادی و به جرم کار نکرده فحش میدان و
 بی بی سی و وحید آنلاین هم به حمایتشون
 در اوامده بودن... من یارها براشون تکرار کردم:
 "و مکروا و مکروا و مکروا و مکروا و مکروا و مکروا"
 کمترین خواسته ی دانشجویها، میشه حضور
 ریاست دانشگاه توی برنامه ای که به مناسبت
 روز دانشجوی برگزار میشه ... وقتی مسئولین
 دانشگاه انقدر براشون بی اهمیت کمترین
 خواسته ی دانشجویها که به خودشون اجازه
 حضور نمیدن...

وقتی روز قبل از برنامه میری و میگی که پارسال
 بابت عدم حضور ریاست سابق چه اتفاقاتی
 که توی سالان نیفتاد و چه بددنه‌هایی که
 نسبت به ما نشد... گرچه ریاست سابق بیش
 از یک ساعت توی مراسم حضور داشتن وقتی
 این همه حرف رو داشتی مثل میخ به سنگ
 میکوبیدی و ریاست دانشگاه بر خلاف قولی
 که به دانشجویها میده ولی حاضر نمیشه حتی
 نیم ساعت بین دانشجویها باشه و درد دل
 دانشجویها رو بشنوه... وقتی همه ای امید ما

بعد از خدا میشه حضور مسئول نهاد که
 همیشه ی همیشه پشت دانشجویها بوده و
 همیشه خط اول مقدم حضور داشته... وقتی
 یکی از مسئولان (مثلا) انقلابی کشور تا دو
 روز مونده به برنامه دانشجویها رو مدام پاس
 میده این طرف و اون طرف و آخرش کاشف
 به عمل میایم که جناب، تشریفشون رو بردن
 دانشگاه دیگه ای... اینجاست که مصمم میشم
 برم دنبال اینکه ببینم اصلا انقلاب کردیم که
 چی بشه... آیا واقعا قدرت، فساد، مبارزه؟! چیکار
 کنیم که برسیم به اون آرمان های امام و
 انقلاب... برای رسیدن به این آرمانها چه افرادی
 اعم از انقلابی و غیر انقلابی باید قربانی این
 راه باشن! هر قدر که میگذره بیشتر شباهت
 زمان حال رو به چیزهایی که از زمان امام
 علی (ع) خوندم درک میکنم... دانشجویها!!!
 شما باید مطالبه کنید شما باید پیگیر باشید
 شما باید ناظر باشید، شما باید حواستون جمع
 باشه شما میتونید... ان شاء الله که منم باشم
 عضوی از شما...

لبنان در جنگی ۳۳ روزه با چهارمین ارتش
 قدرتمند جهان و تنها با تقدیم ۴۸ شهید از
 محاصره خارج شد.

همزمان با شکست حصر لبنان، تحرکاتی
 در کرانه باختری و نوار غزه به وقوع پیوست
 که باعث شد اسرائیل نتواند خود را به غرب
 آسیا برساند. در نتیجه، عراق و افغانستان
 از اشغال نظامی خارج شدند و عملاً سرباز
 به انتهای صفحه شطرنج رسید.

عراق و سوریه و لبنان از نیروهای همفکر
 ایران بودند و این برای اسرائیل هشدار
 بزرگی محسوب می شد چرا که در صورت
 اتحاد این کشورها، ایران با اسرائیل هم
 مرز می شد. درست در همین زمان کلام
 شیطان از لسان کلید دار بیت الله الحرام
 درآمد. ملک عبدالله چاره کار را در تربیت
 گروه های چریکی معتقد دید و با این
 جمله طلایی، داعش تشکیل شد. اما محل
 تشکیل و استقرار این گروه هم مهم بود
 جایی میان سوریه و عراق تا اولاً ارتباط
 زمینی نیروهای شیعی را قطع کند و دوماً

سیاسی را در خود تقویت کند زیرا در همه ی اعصار، دانشجوی به مثابه ی
 عنصر روشنفکر و تحصیل کرده جامعه، مورد توجه همه کشورها علی الخصوص
 دشمنان است که با سرمایه گذاری و برنامه ریزی به جذب جوانان دانشگاهی
 اقدام می کنند و جوان تحصیل کرده ی مملکت را آن گونه که خود می خواهند
 تربیت نموده تا بتوانند به طور غیر مستقیم نفوذ و دخالت خود در کشور
 را اعمال کنند. لذا باید هوشیار باشیم و نسبت به مسائل پیرامون خود، تحلیل
 های واقع بینانه و صحیح داشته باشیم و همواره منافع کشور واصل وحدت
 ملی را مد نظر داشته باشیم.

تقطیع ارتباط بین نیروهای همفکر شیعی
 از طرفی و نزاع و درگیری های قومی و
 قبیله ای از طرف دیگر باعث شد تا شهرهای
 سوریه و عراق دومین وار سقوط کنند و
 مرزهای داعش به وسعت مرزهای بریتانیا
 عنوان شود.

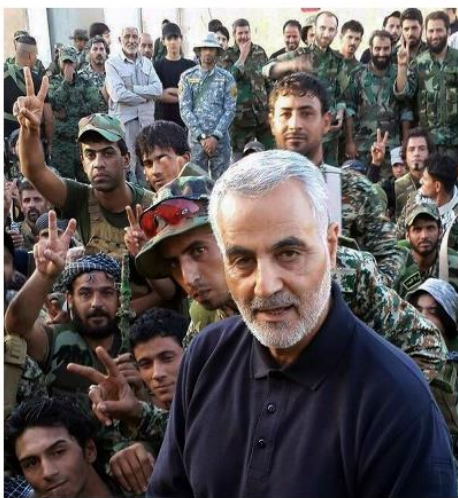
اما تقدیر طور دیگری رقم خورد. ایران و
 در صدر آن سیه قدس با فرماندهی سردار
 قاسم سلیمانی وارد این نزاع شد و با
 تشریح اوضاع منطقه و فرستادن مستشاران
 نظامی به سوریه و عراق باعث اتحاد جبهه
 شد. تا اولاً امنیت مرزهای ایران را تضمین
 کنند و ثانیاً این غده سرطانی را تا قبل از
 بدخیم شدن از جای خارج کنند. با تصرف
 بوکمال و فتح آخرین سنگر، عملاً دولت
 روسی به آخرین فشنگ خود رسیده و
 وعده صادق تحقق یافته است.

اما باید توجه داشته باشیم که اختلافات
 قومی و منطقه ای بار دیگر زمینه ساز ظهور
 شجره خبیثه دیگری نشود. ما برای برکندن
 این درخت، ۲۰۰۰ لاله تقدیم کرده ایم.



سیاسی را در خود تقویت کند زیرا در همه ی اعصار، دانشجوی به مثابه ی
 عنصر روشنفکر و تحصیل کرده جامعه، مورد توجه همه کشورها علی الخصوص
 دشمنان است که با سرمایه گذاری و برنامه ریزی به جذب جوانان دانشگاهی
 اقدام می کنند و جوان تحصیل کرده ی مملکت را آن گونه که خود می خواهند
 تربیت نموده تا بتوانند به طور غیر مستقیم نفوذ و دخالت خود در کشور
 را اعمال کنند. لذا باید هوشیار باشیم و نسبت به مسائل پیرامون خود، تحلیل
 های واقع بینانه و صحیح داشته باشیم و همواره منافع کشور واصل وحدت
 ملی را مد نظر داشته باشیم.

نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ



پروزی جبهه مقاومت و فتح آخرین سنگر داعش بهانه خوبی شد تا به سال های
 قبل بازگردیم و نظور پار و برگ این شجره خبیثه را بررسی کنیم.
 در سال ۲۰۰۱ ایالات متحده به بهانه سرکوبی القاعده به رهبری بن لادن (نام
 دیگر او تیم عثمان بود، وی از جاسوسان سیا در غرب آسیا محسوب می شد)
 به افغانستان یورش برد. با اشغال نظامی عراق در سال ۲۰۰۳ کمربند محاصره
 ایران تکمیل شد. کشورهای همسایه یا به اشغال درآمده بودند و یا سرپرستی
 خود را اعلام کرده بودند. اسرائیل برای فتح آخرین سنگر مقاومت در سال
 ۲۰۰۶ به لبنان حمله کرد. اما اوضاع طور دیگری پیش رفت. حزب الله

جریان تاریخی ۱۶ آذر

حدود ۴ ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ از طرف حکومت وقت
 اعلام شد که روابط ایران با بریتانیا از سر گرفته خواهد شد. برقراری این رابطه
 سیاسی، و ورود نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا به ایران، موجب خشم
 ملت ایران و ایجاد جنبش سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه تهران گردید.
 با اعلام خبر ورود نیکسون، بسیاری از دانشجویان دانشگاه تهران در فضای
 دانشگاه و کلاس ها به سخنرانی پرداختند.
 نیروهای رژیم پهلوی نیز جهت جلوگیری از هرگونه اقدامی توسط دانشجویان،
 با سربازان خود به دانشگاه تهران حمله کردند و بسیاری را زخمی و دستگیر
 کردند. در این میان ۳ تن از دانشجویان با شلیک گلوله توسط مأموران به
 شهادت رسیدند. این سه دانشجوی که در جریان حملات و اعتراضات توسط
 مأموران امنیتی به شهادت رسیدند، مصطفی بزرگ نیا عضو کمیته مرکزی
 حزب توده، احمد قندیچی از طرفداران جبهه ملی و مهدی شریعت رضوی
 معروف به آذر شریعت رضوی بودند.

مهدی شریعت رضوی برادر پوران شریعت رضوی است. علی شریعتی همسر
 پوران شریعت رضوی در رابطه با او گفته است: ((اگر اجباری که به زنده
 ماندن دارم نبود، خود را در برابر دانشگاه آتش می‌زدم. همان جایی که بیست
 و دو سال پیش آذرمان در آتش بیداد سوخت. او را در پیش پای نیکسون
 قربانی کردند.)) این اعتراضات گسترده، نشان از مخالفت دانشگاهیان و
 انقلابیون با استعمارگری، زیاده خواهی و دخالت های دولت آمریکا است.
 سختی از مقام معظم رهبری پیرامون این واقعه تاریخی- سیاسی: ((جالب
 است توجه کنید که ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ که در آن سه نفر دانشجوی به خاک
 و خون غلطیدند، تقریباً چهارماه بعد از ۲۸ مرداد اتفاق افتاده؛ یعنی بعد
 از کودتای ۲۸ مرداد و آن اشتقاق عجیب، سرکوب عجیب همه نیروها و سکوت
 همه، ناگهان به وسیله دانشجویان در دانشگاه تهران یک انفجار در فضا و
 محیط به وجود می‌آید. چرا؟ چون نیکسون که آن وقت معاون رئیس جمهوری
 آمریکا بود، آمد ایران، به عنوان اعتراض به آمریکا، به عنوان اعتراض به نیکسون
 که عامل کودتای ۲۸ مرداد بود، این دانشجویها در محیط دانشگاه اعتصاب
 و تظاهرات می‌کنند که البته با سرکوب مواجه می‌شوند و سه نفرشان هم
 شهید می‌شوند. حالا ۱۶ آذر در همه سالها، با این مختصات باید شناخته
 شود. ۱۶ آذر مال دانشجوی ضد نیکسون است، دانشجوی ضد آمریکا،
 دانشجوی ضد سلطه است.)) این واقعه ی تاریخی و جنبش دانشجویی،
 نشان از تفکر تحلیلی و سیاسی دانشجوی آن زمان است. بی درنگ
 هر دانشجویی در کنار کسب علم، باید بتواند قدرت تحلیل مسائل



• بر شما جوانان ارزنده اسلام - که مایه امید مسلمین هستیم - لازم می باشد که ملت ها را آگاه سازید و نقشه های شوم و خائمان سوز استعمارگران را بر ملا بیاورید.



• اگر بخواهیم دل - که جای خداست، جایگاه خداست. رفیعترین مرتبه در وجود انسان، دل انسان است؛ یعنی همان باطن و حقیقت وجودی انسان - سالم و پاکیزه همانند، مدافعی لازم است؛ این مدافع ذکر است.

داعش بازپچه آمریکا

حالا با نابودی داعش سرریز آمریکایی و اسرائیلی خودش باید برای حفظ منافعش اینجا بجنگد! سرریز داعشی یک تفاوت اصلی و برتری بزرگی نسبت به سرریز آمریکایی داشت!

اونم اینکه یک سرریز داعشی علاوه بر تمام تسلیحات و امکاناتی که یک سرریز آمریکایی داشت، مجهز به نیروی عقیدتی و ایدئولوژیک بود! یعنی یک عنصر داعشی هم، به این معتقد بود، که چه بکشد و چه کشته شود پیروز است! یعنی یک سرریز داعشی مرگ و پایان زندگی نمیدید! پس بر خلاف سرریز ترسوی آمریکایی، هنگام جنگیدن از کشته شدن نمیترسید! همگان دیدیم که وقتی کماندوهای دریایی ارتش آمریکا به اسارت نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اومدند چگونه مثل بز زانو زده بودند، دستها پس کله و یونیفورم نظامی از تنشون در اومده بود، و چچوری از ترس جون حقیرشون گریه میکردند!

اونایی که سپاه اسیر کرد، سرریز های عادی نبودند، کماندو های ملقب به سی ال نیوی sea air land زمین هوا دریا بودند!

یعنی بالاترین آموزش های هم زمین برد هم هوابرد و هم دریا برد رو دیده بودند، یعنی بیشتر از هر آدم دیگه ای روی زمین آموزش نظامی دیده که در هر موقعیتی که بود زمین، هوا، دریا، بکشن و کشته نشن!

و در کمال تعجب هنگام اسارت به دلیل عدم وجود ایمان و اعتقاد به خدا و جهان پس از مرگ، مثل دختر بچه سه ساله از سر ضعف و حقارت گریه میکردند! این ضعف عقیدتی رو سازمان سیا با پروژه پراکسی وار یا جنگ نیابتی و با سرریز داعشی که برای رفتن به بهشت جسورانه می جنگید پر کرد!

داعش ارتش نیابتی و پیمانکار دولت ایالات متحده بود! توسط آمریکا ساخته، تجهیز و آموزش دیده بود! سلاح آمریکایی در دستان داعش بود، و اینکه میگن به دلیل نداشتن نیروی هوایی از بین رفت یک بلوف منبوحانه است! نیروی هوایی ارتش آمریکا تمام قد در خدمت و کنترل داعش بود! بیش از صدها

حمله به مواضع ارتش عراق و سوریه و حشد الشعبی، تمام در راستای پوشش نیروهای زمینی داعش بود که سخنگوی کاخ سفید آنها را اشتباهی اعلام میکرد که نمونه اش حمله جنگنده های آمریکا به تنف و اسیر شدن شهید حججی بود! و وقتی جمهوری اسلامی این قدرت و هژمون را داشت که نیروی عقیدتی داعش، مسلح به آخرین تکنولوژی و سلاح های غربی رو شکست بده!

این قدرت رو به طریق اولی اداره که سرریز آمریکایی و یهودی اسرائیل و که شدیداً از کشته شدن میترسند، شکست بده!

دلیل اینکه آقا امروز در دیدار با بسیجیان اینهمه گفت شکست داعش، شکست آمی کاست همینها! ما داعش و نزدیک ما آمریکا رو زدیم!



صلحی کشنده تر از زهر

بعد از شهادت امام علی، بار دیگر کوچه های کوفه رنگ بی وفایی به خود گرفتند، مردم کوفه نزد حسن بن علی رفته و با ایشان بیعت کردند. امام بعد از پذیرش خلافت، نامه ای به فرمانروای شام، معاویه نوشتند و او را به پیروی از خود فرا خواندند. اما معاویه از دستور سر باز زد و امام دستور به تجهیز سپاه دادند. کوفیان ابتدا از خود خروشی کم نظیر نشان دادند اما متأسفانه نفس هایشان سست تر از آن بود که نتوانند در برابر دسیسه های معاویه و زر و طلا رنگ عوض نکنند. جنگ های پی در پی جمل، صفین و نهروان میان مسلمانان، آنان را خسته کرده بود و تمایلی به جنگ نداشتند. این چند دستگی ها تا جایی پیش رفت که به معاویه نامه نوشتند و حمایت خود را از او اعلام کردند. در واقع بزرگ ترین مشکل امام که مانع از رسیدن به اهداف حضرت می شد، فقدان جبهه نیرومند بود؛ بوی خیانت و نفاق فضای کوفه را پر کرده بود.

پیشنهاد صلح از سوی معاویه، وسیله برای رسیدن به حکومت کم هزینه بود. اما چرا امام تن به پذیرش صلحی تلخ تر از زهر می دهد، که هر لحظه جگر ایشان را می سوزاند و بر رهبر چه ایرادی می توان گرفت وقتی شرایط نامساعد و وضع ناپسامان است؟

حفظ دین: در فرهنگ امه، حفظ دین از محوری ترین عنصرهاست؛ به همین دلیل تشکیل حکومت، قیام، صلح و سکوت آنها همه در جهت حفظ اسلام شکل می گیرد. با توجه به اوضاع جامعه اسلامی در عصر امام حسن (ع)، ممکن بود جنگ با معاویه اصل دین را از بین ببرد. از سویی دیگر مردم نیز از نظر فرهنگی در وضعیتی قرار داشتند که غوریزوی و جنگ نوعی بدبینی به دین و مقدسات را به وجود آورد. امام حسن یکی از دلایل صلح خود را حفظ دین بیان کردند و فرمودند: ((ترسیم ریشه مسلمانان از زمین کنده شود و کسی از آنان باقی نماند؛ از این رو با مصالحه ای که انجام گرفت، خواستم دین خدا حفظ شود.))

مصالح عمومی: رعایت مصالح عمومی، خردمندانه ترین استراتژی ها است که از سوی رهبران الهی اتخاذ می شود، زیرا آنان هیچگاه مصالح عمومی را فدای مصالح فردی و گروهی نمی کنند. امام صلح را می پذیرد زیرا این جنگ نه به نفع کوفیان بود و نه شامیان بلکه زمینه حمله نظامی رومیان به جهان اسلام را فراهم می کرد.

شاید در پی همین امر بوده که پیامبر اسلام درباره امام حسن فرموده اند: ((همانا پسرم پیشوای مسلمانان است و امید است خداوند به دست او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان، صلح برقرار کند)). حفظ شیعیان: حفظ شیعیان که از پاسداران دین و موالی اهل بیت بودند. از این رو حفظ آنان از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. تعداد شیعیان خاص بسیار اندک بود و با توجه به ضعف مردم عراق، اگر جنگی به وقوع می پیوست، قطعاً به امام و شیعیان خسارات جبران ناپذیری وارد می شد و معاویه هم با بهانه کردن جنگ یک نفر را زنده باقی نمی گذاشت. از دلایل که بگذریم در واقع صلح امام حسن (ع) زمینه ساز قیام امام حسین بود. شهادت کربلا پیش از آنکه حسینی باشد، حسینی بود زیرا که امام حسن شالوده آن را فراهم آورده بود. امام حسن صبر و پایداری حکیمانه اش حقیقت را بی پرده آشکار می کند و امام حسین به پیروزی پرشکوه ابدی نایل می گردد. نقش پایداریه حکیمانه، از آن امام حسن (ع) بود و نقش قیام مردانه، از آن حسین (ع) ...

زلزله معاشان

شامگاه یکشنبه بیست و یکم آبان ماه، زلزله ای به بزرگی ۷٫۳ ریشتر شهرهای مرزی غرب ایران را لرزاند.

مردمی که با جان و مال خود تمام قد در برابر متجاوزین ایستادگی کردند، با وقوع این حادثه ای دلخراش، تمام سرمایه های زندگی خویش را از دست داده اند.

اینک وقت آن رسیده که مردم و مسئولان در پی حل مشکلاتشان باشند که از حق نگذریم، ملت ایران نشان دادند، از خود گذشته های هموطنانشان را قدر می دانند و تمام تلاش و همت و پشتکارشان را به کار بسته اند تا کمی این فداکاری ها را جبران کنند.

البته ناگفته نماند که در این بین کسانی هم بودند که این کار مخلصانه را با گرفتن سلفی های بی مورد و صرفاً جهت افزایش تعداد بازدید های لایو اینستاگرام و لایک پست هایشان، ریاکارانه کردند. در این بین موج ارائه شماره حساب جهت دریافت کمک های نقدی راه افتاد و بعضاً کسانی بودند که حتی خودشان انتظار نداشتند حجم واریزی ها به حسابشان چنان زیاد شود که از مرز میلیارد هم بگذرد و از تعبیر بارداری ناخواسته برای این وضعیت یاد کردند. بهتر این بود که مردم به چند نهاد رسمی اعتماد می کردند و تمامی کسانی که این مبالغ را جمع آوری می کردند، آن را به همان نهادها واگذار می کردند تا این کمک ها بهتر مدیریت می شد.

رو روز بعد از این حادثه، جناب رئیس جمهور محترم به دیدار مردم داغدار و مصیبت زده رفتند و آنقدر مردم بابت حضور ایشان شاد و خوشحال بودند که از فرمانداران شان درخواست کردند اکنون که آنها حتی آبی برای خوردن ندارند و دلشان داغدار از دست دادن عزیزانشان است و فرصت مناسبی برای تبریک به ایشان ندارند، حتماً بتری برای خوشآمد گویی بر ورودی شهر بزنند!

جناب رئیس جمهور هم که از این استقبال بی نظیر خشنود بودند، همراه با دیگران ضدشورش به میان مردم آمدند تا مبادا از فرط شادی ایشان را مورد لطف قرار دهند. آقای رئیس جمهور حتی دلشان نیامد از ماشینشان پیاده و سبب زحمت و دردسر این مردم آسیب دیده شوند. اما الحق و والانصاف سخنان جناب رئیس جمهور، آبی بود بر آتش دل های داغدار مردم چرا که ایشان شدیداً بر یافتن مقصرین ریزش ساختمان های مسکن مهر تاکید داشتند و وعده ی صادقی مبنی بر اینکه مقصران این اشتباه بزرگ پیدا و محاکمه خواهند شد، دادند و مردم از این خبر به قدری به وجد آمدند که اکنون با امید به این سخنان، سرمایه زستان و سختی ها را تحمل می کنند! اما امان از برخی مسئولین محترم که همه در پی پیدا کردن ایشان بودند نه به خاطر اینکه چرا در کرمانشاه حضور نیافتند. نگرانی از این بابت بود که مبادا اتفاق بدی برای جنابشان رخ داده و سلامتی ایشان را دچار مخاطره شده باشد. مگر نه مدیریت اوضاع ایجاد شده بعد از این بلا ی طبیعی به خانه و کاشانه ی مردم آسیب رسانده، فدای سر مبارکشان! البته طبق خبرهای واصله، ایشان پس از ده روز در محل مورد نظر یافت شدند و فرمودند بازسازی منازل مردم به عهده ی دولت نمی باشد!

از آرام بودن جو سیاسی نکویم برایتان که پس از زلزله، تمامی مردم و مسئولان تنها و تنها به فکر مدیریت بحران و افکار عمومی بودند. مبادا فکر کنید

معاون اول ریاست جمهوری عکسی را که در یک سمت آن مسکن مهر با خرابی ها فراوان بوده سمت دیگران ساختمانی شخصی ساز با آسیب هایی جزئی، در جلسه ی مدیریت بحران نشان دادند و وضعیت تاسف بار پروژه ی مسکن مهر را تشریح کردند و بدون اطلاع از آمار دقیق بیش ترین تلفات جانی را به مسکن مهر اطلاق کردند! اصلاً چنین نیست. کی ایشان چنینی حرفی زدند که سردار حقانیان، آن طور واکنش نشان دادند؟! البته عذرخواهی سردار هم نشان داد که ایشان اشتباه می کردند و خیرها به طور صحیح به ایشان واصل نمی گردد چرا که در این برهه ی حساس که وقت کمک به مردم است نه سواستفاده های سیاسی، هر مسئولی که حل مشکلات مردم برایش مهم بود، چنین واکنشی نشان می داد!

در بین خیل اتفاقات تلخ به دنبال این بلا ی طبیعی، اتفاقات شیرینی هم بود که برای ساعاتی مردم را از مشکلاتشان فارغ می کرد. یکی از آن ها، حضور سرزده و بدون اطلاع رهبری بود. حضور بدون اطلاع ایشان در محل اسکان مردم زلزله زده و بازدید از چادرهای آنان نشان از این دارد که ایشان اطلاع و درک صحیح از وضعیت کنونی مردم برایشان مهم است و چه قدر این موضوع برای مردم شیرین تمام شد. اینکه رهبر یک کشور، بدون هیچ مراسم استقبالی، سرزده و آن هم فقط برای دلداری و دلجویی به مردم و البته تذکر و خداحوت به نیروهای کمکی به شهر یا روستایشان آمده، حُب و عشق ایشان را در دلهای آنان چند برابر می کند. مردمی که فکرش را هم نمی کردند که یک روزی رهبر انقلاب را ببینند اینک همگی با شعار صل علی محمد یاور مهدی آمد، به دیدار ایشان شتافتند.

از سخنان رهبری در میان مردم، همدردی، دلجویی، محبت، قدرشناسی و البته اهتمام به حل مشکلات مردم با مقاومت و صبر و تلاش مردم و پیگیری و همکاری مسئولان برداشتی می شود.





قانون اساسی و ایرادات و خلاء های آن

زمنستان سال ۱۳۵۷ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایده ی تدوین قانون اساسی توسط امام خمینی (ره) در پاریس مطرح شد و در همان جا پیش نویس آن تهیه شد؛ ۱۰ بهمن سال ۵۷، امام دولت موقت مهدی بازرگان را مسئول نگارش قانون اساسی قرار داد و در ۱۲ مرداد سال ۵۸ مجلس خبرگان رهبری و اعضای آن، از ۲۸ مرداد شروع به تدوین قانون اساسی کردند و در نهایت ۲۴ آبان تدوین به پایان رسید و روز ۳۶ آبان در روزنامه کیهان به چاپ رسید و در همه پرسی که در ۱۱ آذر ماه برگزار شد، با کسب آراء قریب به اتفاق مردم، به تصویب نهایی رسید.

قانون اساسی در حقیقت حاوی نکات آرمانی و خطوط کلی نحوه ی اداره آن ها و مقامات اداره کننده و به طور کلی مسائل و مواردی است که اساس یک نظام حکومتی و کشور را تشکیل می دهد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بنابر اصل چهارم قانون اساسی مبتنی است بر شرع و کلیه قوانین باید منطبق بر قواعد شرعی باشند و امکان عدول و تعدی از این قید وجود ندارد. مقدمه قانون اساسی حاوی اهداف آرمانی و اصولی تغییر ناپذیر است و بر مواردی همچون ولایت فقیه عادل، وسیله بودن اقتصاد، ارتش مکتبی، جایگاه زن و... تأکید دارد. قانون اساسی هر کشوری مبنی نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه ای است و اصول و ضوابط آن را منعکس می کند. که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و دارای اصولی است که اجرای آن می تواند جامعه ای آرمانی را سامان دهد. نموده و زمینه رشد و تعالی همه جانبه ی شهروندان را فراهم آورد. قانون اساسی دست ساز بشر است و نمی تواند خالی از نقص باشد و چه بسا گذشت زمان مقتضیات و نیاز روز را روشن خواهد نمود. بر همین اساس بود که حدود ۱۰ سال پس از تصویب قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد اصلاحات و تغییرات و متمیم قانون اساسی را که شورای بازنگری قانون اساسی

به موجب فرمان امام خمینی(ره) مورخ ۴ اردیبهشت سال ۵۸ در ۴۸ اصل مدون و چند متمیم و توضیح، در جلسات مورخ ۱۷ الی ۲۰ تیر ماه به طور نهایی بررسی و تدوین کرد و این اصلاحات پس از گذشت بنیانگذارانقلاب دهمرداد ماه سال ۶۸ طی یک همه پرسی با اکثریت آراء به تصویب رسید. اصلاحات سال ۶۸ از این جهت ضرورت پیدا کرده که امام به این نتیجه رسید که تمرکز در مدیریت قوه مجریه به صورت حذف نخست وزیری و افزایش اختیارات ریاست جمهوری و همینطور تمرکز در مدیریت قوه قضائیه نیاز است. همینطور معتقد بودن مجمع تشخیص مصلحت نظام که تا پیش از این اصلاح عملاً وجود داشت مبنای قانونی یابد و بنابراین وارد متن قانون شد. در این بازنگری به جای شورای سرپرستی، به ریاست صدا و سیما به نتیجه رسیدند و تعیین صاحب منصب آن به مقام معظم رهبری واگذار شد. در نهایت حدود ۱۷۷ اصل گنجانده شد که تا کنون جاری و ساری است. و بدین جهت میتوان با صراحت تمام گفت که قانون اساسی ایران از بنیادهای مستحکم برخوردار است و از جهت نحوه ی اعمال اقتدار قانون و چیدمان قدرت بسیار خوب عمل کرده است. اما باید خاطر نشان کرد که قانون اساسی هیچ گاه متولی مستقیم و مسئول تنظیم و نشر نداشته و گاه چهار دستبردار جاهلانه و عامدانه افراد قرار گرفته است. به اعتقاد برخی از حقوقدانان بعضی از اصول قانون اساسی از جامعیت و مانعیت کافی برخوردار نیستند. مثال بارز در این زمینه اصل ۱۱۵ قانون اساسی است که شرایط نامزدهای ریاست جمهوری را عنوان می کند. که این شرایط از مانعیت کافی برخوردار نیستند و نتیجه ی آن این خواهد بود که افراد زیادی ثبت نام کرده و زمان و هزینه زیادی را بابت بررسی این موارد، به بار می آورند. به علاوه اینکه برخی از این شرایط نظیر مدیر و مدبر بودن، شرایط قابل تفسیری هستند که مانع و جامع نیستند و همین موضوع به تفسیر غیر علمی آن دامن میزند. افرادی نظیر دکتر کشاورز نیز مطرح می کنند که در خصوص ضعف قانون اساسی در نظارت بر برخی نهادها و لزوم اصلاح این موارد در قانون اساسی باید گفت به طور کلی هر عدم نظارتی می تواند موجب اشکال شود و در همه جا باید نظارت وجود داشته باشد. حتی به صورت شبکه ای و ترکیبی به نحوی که مثلاً قوای مختلف کشور امکان ارزیابی اعمال یکدیگر را داشته باشند. بنابراین این نیاز است که در قانون اساسی موارد نظارت به طور عملی و قابل قبول بیشتر شود. از دیگر ایراداتی که نسبت به قانون اساسی وارد می شود در خصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام است که همانطور که در گذشته نیز عرض کردیم از ابداعات اصلاح قانون اساسی سال ۶۸ است که با دو وظیفه به میان آمد: مشاوره به رهبری و حل اختلافات بین مجلس و شورای نگهبان. اما در عمل مجمع بسیاری از قوانین را رأساً تصویب نموده بدون آنکه مسبوق به سابقه ی اختلافی بوده باشد. حال آنکه اختیار قانونگذاری به موجب همین قانون در شرایط فعلی در اختیار قوه قانونگذاری است و این امر خلاف قانون اساسی تلقی می شود و بنابراین نیازمند اصلاح است. از دیگر نواقصی که مطرح می کنند ضرورت اصلاح در صلاحیت های دیوان عدالت اداری است که برخی از نهادها همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی،

قوه قضائیه و مجمع تشخیص و ... از شمول این دیوان خارج اند حال آنکه ممکن است حقوق استخدامی برخی از این افراد تضییع شده و یا حتی آیین نامه ای خلاف اصل چهارم تدوین شود.

البته ناگفته نماند که برخی ایرادات و نواقصی که از جانب برخی صاحب نظران مطرح می شود خالی از غرائض سیاسی نیست و گاه ممکن است منافع مملکت و دولتی را نشانه رود. تردیدی نیست که با توجه تدوین قانون اساسی از سوی بشر، مطلق و کامل نیست ولیکن برای ورود به چنین فرآیندی باید پس و پیش را سنجید و توالی و تبعات آن را مد نظر قرارداد، چرا که قانون اساسی شرایطی متفاوت از سایر قوانین دارد و اطمینانی وجود ندارد که پس از تغییر شرایط بهتر شود. حال آنکه به موجب اصل ۱۷۷ قانون اساسی به بازنگری در قانون اشاره شده است که روش بازنگری و ترتیبات آن را بیان نموده و در ادامه مواردی را تصریح می کند که تغییر ناپذیر است. بدیهی است که پرداختن به مسئله ی مزبور نیازمند مذاکره ی جدی است و در این مختصر نمیتوان به تمامی آن اشاره کرد ولی شما با توجه به مطالب فوق، قانون اساسی کشورمان را چگونه ارزیابی می کنید؟!



catsa

چهارم مرداد و در تب و تاب گرمای تابستان ۹۶ در مجلس قانون گذاران ایالات متحده به اتفاق اکثریت آراء قانون کاتسا تصویب شد. اما طبق قوانین، این قانون باید از نوک خودنویس ترامپ می گذشت.

کاتسا قانون مقابله با دشمنان آمریکا است که براساس آن کشورهایی که سطح مقابله امنیتی بیشتری لازم دارند مانند ایران، کره شمالی و روسیه هدف قرار گرفته شده اند. این قانون بیان می کند که همه کسانی که در لیست سیاه (اس دی ان) قرار گرفته اند باید از چرخه دلار (پرویزن) یا دور برگردان حذف شوند و به واسطه این لیست باید تحریم های شدید تری بر ایشان وارد شود.

این قانون جدید پهنای تحریم ها را تا حد بی سابقه ای در تاریخ منازعات ایران- آمریکا بالا برده است. چنانکه سفر اتباع این کشورها به ایالات متحده ممنوع اعلام شد و همچنین اموال آنان به نفع دولت فدرال بلوکه شد. و این یعنی کاسه تحریم پس از اجرایی شدن برجام نه تنها نشکسته بلکه محکم تر از قبل شده است. اما شاید بتوان گفت که این قانون در جواب حمله ایران به استراتژی های جاه طلبانه آمریکا در منطقه غرب آسیا بود چراکه نوک پیکان این تحریم همه جانبه به سمت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نشانه رفته است. طبق این قانون سپاه و دیگر نهادهای مقاومت چون حشد الشعبی، انصارالله یمن و حزب الله لبنان سازمان هایی تروریستی هستند و نباید بودجه دولتی دریافت کنند تا شاید با فشار مالی دست از آرمان های خود بکشند.

طبق لیست سیاه کاتسا همه اشخاص حقوقی و حقیقی که در ارتباط با این سازمان ها هستند نیز در این تحریم سهم دارند و این یعنی چند صد شرکت خصوصی که زیر نظر دولت تفنگداران و فرارگاه سازندگی خاتم الانبیا کار می کنند نیز در لیست سیاه قرار دارند و برای صلح جهانی باید از مناسبات اقتصادی حذف شوند! برخلاف تحلیل تحلیلگران کاتسا تنها محدودیت های سفر به ایالات متحده و یا بلوکه کردن اموال نیست، بلکه طبق پروژه اس اس آر پنتاگون مؤلفه دفاعی ایران هدف فرسایش قرار گرفته است.

چراکه ایران قبلاً قانون منع کمک های مالی به سازمان های تروریستی مد نظر آمریکا را تحت عنوان اف ای تی اف امضا کرده بود و حالا با این قانون جدید، سپاه در صدر سازمان های تروریستی قرار گرفته بود. اما خوب بود قبل از تصویب این قانون و تروریستی خواندن سپاه، اتفاقات سال ۵۸ نصب العین کاخ سفید نشینان قرار می گرفت. به زعم نویسنده

تیر اخبار منطقه

- جنایت جدید آل سعود در یمن
- جنگنده های ائتلاف ضد یمن به سرکردگی عربستان سعودی یک بازار را در استان صعده هدف قرار داد که بر اثر آن ۴۳ غیر نظامی کشته شده اند.
- ائتلاف آمریکا از اردوگاه « الحسکه » سوریه برای آموزش شبه نظامیان استفاده می کند. ائتلاف به همکاری با تروریست ها ادامه می دهد.
- فمانده «ننگرهار» در سنای افغانستان تصریح کرد که فعالیت افراد وابسته به داعش در شرق این کشور از پایگاه نظامیان آمریکایی در این ولایت سازمان دهی و حمایت می شود.
- ورود چینی ها به سوریه برای مبارزه با تروریست ها
- نیروهای ویژه چین پهنای منطقه «بهرای شب» از چند روز پیش وارد بند طرطوس شده و قصد دارند در غوطه شرقی با تروریستها بجنگند
- پرده برداری از جنایات آمریکایی در یمن دو خبرنگار زن فرانسوی با لباس مبدل به یمن رفته و فاش کرده اند مپ های که رژیم سعودی بر سر مردم مظلوم یمن می ریزد آمریکایی و از نوع خوشه های است
- حاج فائز مغنیه به جمع فرزندان شهیدش پیوست. شهیدان عماد؛ فواد؛ جهاد
- داعش با پرچم جدید بیرمگرده اسپوتنیک/ وزارت دفاع روسیه:
- گروه های مسلح جدیدی تحت عنوان «ارتش جدید سوریه» تحت نظارت مریبان آمریکایی شکل گرفته که انتظار می رود به جنوب سوریه برای مبارزه با نیروهای ارتش سوریه اعزام شوند. اغلب این شبه نظامیان اعضای گروه های تروریستی داعش و جبهه النصره هستند و در حال حاضر حدود ۷۵۰ شبه نظامی از مناطق رقه، دیرالزور، بومکال و مناطق شرقی فرات در اردوگاه پناهجویان حسکه متمرکز شده اند. هسته اصلی این گروه در این اردوگاه شامل ۴۰۰ شبه نظامی داعشی می شود که شهر رقه در ماه اکتبر سال ۲۰۱۷ با کمک آمریکا ترک کرده بودند.
- فرمانده نیروی هوافضای سپاه: در ساخت پهباد جزو ۱۰ کشور برتر دنیا هستیم با وجود نیروهای مومن و انبارهای مملو از سلاح، اگر از دشمن خطایی سرریزد با مشت های محکم ما روبرو می شود.



• دانشگاهها و دانش‌سراها از جمله مهم‌ترین و حساس‌ترین مراکز هستند که نقش عمده در استقلال و یا وابستگی کشور دارند.



• هر وقتی که کشورمان دچار ذلت شد، بخاطر این بود که مردان فداکار نداشتیم



SSR project

نام سندی است که انتشار آن خبر ساز شد. اخبار واصله می‌گویند کاخ سفید نشینان برای ایرانیان خواب‌هایی دیده‌اند و برای تعبیر آن دست به دامن این پروژه شده‌اند. پروژه‌ای که یکباره تمام پیچ و مهره‌های قدرت‌های بین‌المللی را علیه ما به کار می‌گیرد. هدف این پروژه در حقیقت طرحی جامع و مدون برای درهم شکستن یک جامعه است. سازو کار این پروژه به گونه‌ای تعریف شده که در ابتدای امر با گرا عوامل داخلی و با اطلاعات واصله از سوی جاسوسان خارجی از بین مؤلفه‌های پنج‌گانه قدرت (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی - دفاعی) دو مؤلفه تراز در آن جامعه انتخاب می‌شود. در مرحله بعد رسانه‌ها به میدان می‌آیند و با ترغیب‌های رسانه‌ای آن مؤلفه‌ها را به عنوان تهدیدی برای صلح جهانی معرفی می‌کنند، با تکرار این ادعا، مطالبه و گفتمان از سوی سازمان‌های بین‌المللی مبنی بر از بین بردن این مؤلفه‌ها مطرح می‌شود. در پی آن اهرم‌های فشار، مؤلفه‌های قدرتمند کشور هدف را می‌فرسایند. این عمل تا جایی ادامه می‌یابد که در نهایت ترازهای قدرت در کشور هدف به پایین‌ترین سطح خود برسد. در این هنگام جامعه بین‌الملل با به کار بردن دکترین بیانه تراشی پنتاگون، با هدف حمایت از صلح جهانی، کشور هدف را مورد اشغال نظامی قرار می‌دهند. با نگاهی گذرا به تحریم‌های تصویب شده اخیر در کشورهای ایالات متحده می‌توان دریافت که علی‌رغم برگردگی این تحریم‌ها همگی در یک مورد اتفاق دارند. چه بخواهیم و چه امضا کری را تضمین بدانیم، ایالات متحده این پروژه را از مدت‌ها پیش شکل داده و به صورت مدون به پیش می‌برد. مؤلفه نظامی دفاعی ایران که کارایی خود را در بلوای اخیر منطقه به خوبی نشان داده است مورد هدف قرار گرفته پنتاگون با پالس‌هایی که از داخل دریافت کرده است خوب می‌داند که برای تضعیف این ملک، سپاه باید از مناسبات بین‌المللی و اقتصادی حذف شود. با حذف سپاه محیط برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی فراهم می‌شود. ورود این شرکت‌ها به ایران به مذاق عمو سام خوش می‌آید چرا که این شرکت‌های مطیع، در هر زمان که کاخ سفید اراده کند ایران را ترک می‌کنند و وابستگی را در کشور التاء می‌کنند و از سوی دیگر حضور جاسوسان در ایران تا حد زیادی هموار می‌شود.

کهنه انقلابی‌های دنیادیده‌ی باسواد باید توجه کنند که کدخدای جدید انکار بنا ندارد به شیوه کدخدای قبلی رفتاری دلفریب داشته باشد و با جستجوهای ساده در فضای سایبری می‌توانند گواه این ادعا را از اسناد منتشر شده که اتفاقاً به زبان اول دنیا نوشته می‌شوند، دنبال کنند.

معصومیت از دست رفتن

اجرائی که در آبان ماه ۹۶ در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) پیش آمد چیزی فراتر از اعتراض حمید بقایی بود. فمیتوان او را به تنهایی محکوم کرد. نقطه ضعف‌های قوه قضاییه و تسامح با متخلفین در موارد متعدد، گویی رجال سیاسی را در برابر قانون یغی کرده است. به عقب که بر کردیم در پرونده‌ی ی مهدی هاشمی تا آخرین روز از وی با عنوان م-۵ در رسانه یاد می‌شد. در مورد حسین فریدون نیز به خاطر یک غش و ضعف مضحک وی از دادگاه فرار کرد. اکنون نیز در مورد بقایی اطلاع‌ی دادرسی و عدم شفاف سازی در مورد جرایم او به وی فرصت خوش رقصی برای جریانات معاند نظام را فراهم کرد و اکنون باید شاهد کف و سوت‌های BBC و کانال‌های چیره‌خوار سعودی مثل "آمدنیوز" برای ایشان باشیم. ایضاً در حسرت قوه‌ی قضاییه‌ی مقتدیری که روزی که مفسدین اقتصادی و اخلاص گران امنیت ملی را در نماز جمعه شلاق بزنند و سپس اعدام کنند. زمان خلافت حضرت علی علیه السلام در کوفه، زره آن حضرت گم شد. پس از چندی نزدیک مردی مسیحی پیدا شد. حضرت علی او را به محضر قاضی برد و اقامه دعوی کرد که: « این زره از آن من است، نه آن را فروخته‌ام و نه به کسی بخشیده‌ام و اکنون آن را نزد این مرد یافته‌ام.» قاضی به مرد مسیحی گفت: « خلیفه ادعای خود را اظهار کرد، تو چه می‌گویی؟» او گفت: « این زره مال خود من است، و در عین حال گفته مقام خلافت را تکذیب می‌کنم (ممکن است خلیفه اشتباه کرده باشد).» قاضی رو کرد به حضرت علی و گفت: « تو مدعی هستی و این شخص منکر است، علی‌هذا بر تو است که شاهد بر مدعای خود بیآوری.» علی خندید و فرمود: «قاضی راست می‌گوید، اکنون می‌بایست که من شاهد بیآورم، ولی من شاهد ندارم.» قاضی روی این اصل که مدعی شاهد ندارد، به نفع مسیحی حکم کرد و او هم زره را برداشت و روان شد. ولی مرد مسیحی که خود بهتر می‌دانست زره مال کیست، پس از آنکه چند گامی پیمود و جدانش مرتعش شد و برگشت، گفت: « این طرز حکومت و رفتار از نوع رفتارهای بشر عادی نیست، از نوع حکومت انبیاست» و اقرار کرد که زره از علی است. طولی نکشید او را دیدند مسلمان شده و با شوق و ایمان زیر پرچم علی(ع) در جنگ نهروان می‌جنگد.

نقل حکایت بدین سبب بود که ماجرا را از وجه دیگری نیز بررسی کنیم با تمام ضعف‌های موجود در دستگاه قضا اما به هر حال قانون بد بهتر از بی قانونی است. علی(ع) می‌توانست با علم لدنی خویش همه چیز را ثابت کند اما به حکم قاضی تمکین کرد. امام راحل با تمام انتقاداتی که به قانون اساسی داشتند در دهه‌ی اول انقلاب تا زمان اصلاح قانون همواره از آن تبعیت می‌کردند "غلط می‌کنی قانون را قبول نداری! قانون

تو را قبول ندارد. جلد ۱۴ صحیفه امام صفحه ۳۷۷" اما تناقضات رفتاری دکتر احمدی نژاد و حمید بقایی بیش از هر مسئله‌ای به چشم می‌خورد. بقایی اظهار می‌دارد که برای دادگاه قوه قضاییه هیچ ارزشی قائل نیست و پاسخگو هم نمی‌باشد. با این اوصاف چه تفاوتی با آن میر حسین موسوی که شورای نگهبان را قبول نداشت دارد؟ بقایی طی نامه‌نگاری بی ادبانه‌ی خود به وهبری و توهین به نظام جمهوری اسلامی از ایشان خواسته است تا آیت الله هاشمی شاهرودی را قاضی پرونده‌ی وی قرار دهد و این دقیقاً مثل ماجرای مهدی هاشمی است که در آن زمان هاشمی درخواست قاضی مطلوب خود را برای پرونده‌ی فرزند خویش داشت و یا در فتنه‌ی ۸۸ موسوی درخواست داشت نهادی جدای از شورای نگهبان به ادعای تقلب وی رسیدگی کند.

گویا آقایان قصد کرده‌اند به کلی تمام نهادهای نظام را به سخره گیرند. کاش جناب بقایی توضیح دهد چرا از اول بر این اعتقاد خود پافشاری نکرد و در مضحکانه‌ترین وضع ممکن با نایبون شکلات و زنبیل قرمز راهی دادگاه شد.

گویا مدارک آن زنبیل کذاب‌ی نتوانسته‌ی وی را برتره کند و دست به دامن شیوه‌ی منسوخ بست نشینی شده‌است. حال دلیل این بست نشینی چیست؟ آیا آن‌ها از خانواده‌ی آقای لاریجانی شکایت دارند؟! گویا فراموش شده است که احمدی نژاد با لابی‌گری لاریجانی را از یک کاندید شکست خورده به ریاست مجلس رساند و روزگاری وی را برادر عزیز خطاب می‌کرد. گیرم که از نهادی یا شخصی شکایت داشته باشند مثلاً از همان لباس شخصی‌هایی که میتینگ سیاسی وی در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) را به هم زدند. اگر آن افراد هم مثلاً در حرم امام رضا (ع) بست نشینی کنند قطعاً فمیتوان با منطق جناب احمدی نژاد متعرض آن‌ها شد و تا ابد به هیچ شکایتی رسیدگی نمی‌شود. منطق مشترک آقایان برای دور زدن قانون، سر و ته یک کرباس بودن آن‌ها و پایان نبرد گلاباتور‌ها را مشخص می‌کند. روزگاری سیاست ایران صحنه‌ی نبرد بین احمدی نژاد و هاشمی- خاتمی بود اما پس از تقاضای احمدی نژاد در سال ۹۲ از هاشمی برای اعتراض هماهنگ به شورای نگهبان و ایضاً با نامه‌نگاری مضحکانه‌ی و مشایبی و خاتمی در سال ۹۶ بر دو قطبی کاذب ایشان مهر باطل زده شد.

در توصیف آن مرد مردمی کاپشن پوش که با دهن کچی مقابل ولایت، انحراف خود را آغاز کرد، باید یک جمله گفت: معصومیت از دست رفته! معصومیتی که ما را به خواب تکرار رجایی فرو برد ولی افسوس کسی که ما را به رویای شیرین دهه هشتاد یعنی احیای آرمان‌های سال ۵۷ در حکومت داری دعوت می‌کرد، با اشتباهات خویش کابوس تلخ دهه نود را برای ما به ارمغان آورد. ۳ تیر ۸۴ نقطه‌ی عطفی بود که تبدیل به درجا زدن برای انقلابیونی شد که در فکر التیام زخم‌های سال بعد از امام بودند. اما زخم انحراف نیز بر پیکره‌ی انقلاب نشست. احمدی نژاد خود تبدیل به میراث‌دار هاشمی شد. هیچ چیز نمی‌توانیم در وصف این مصیبت بگویم جز این که خدا خناسانی را که روزی بین هاشمی و وهبری گسل ایجاد کردند و اکنون نیز این برنامه را برای احمدی نژاد دارند مشمول لعنت ابدی خود قرار دهد.

انتقال پایتخت!!

سفارت آمریکا در خیابان هایارکون تل آویو جا خوش کرده است. ساختمان‌ی مدرن و بتنی که نزدیک شصت سال است پرچم آمریکا را در خود حفظ کرده است و حالا فرجام این مکان نیز قرار است دستخوش تغییرات عجیب و غریب ریاست جمهوری جدید ایالات متحده باشد.

ترامپ پیش از این هم در برخی از جمعاعات انتخاباتی اش از جمله نشست‌ی یک به انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به بیت المقدس اشاره کرده بود و وعده‌هایی از این دست است؛ که نتانیاهو را بر آن داشت تا بار دیگر این اولین بار نیست که کاندیدهای ریاست جمهوری آمریکا با تکیه بر این مسئله آرای یهودیان آمریکایی را جذب کرده‌اند. چنانچه جرج دابلیو بوش و کلینتون نیز در رقابت‌های انتخاباتی خود آن را مطرح کرده بودند. چرا که رژیم صهیونیستی تا استقرار کامل در بیت المقدس، رسالت خود را کامل نمی‌داند و سال‌هاست که به دنبال تغییر پایتخت از تل آویو به بیت المقدس است. که این امر مورد استقبال جوامع بین‌المللی قرار نگرفته است.

خروج از حالت فعلی و تغییر در وضعیت به ظاهر آرام صلح در بیت المقدس هزینه‌ی زیادی را به کشورهای غربی تحمیل خواهد کرد. حقیقت آن است که هزینه‌های رژیم صهیونیستی در این سال‌ها برای کشورهای غربی و ایالات متحده بسیار بالا بوده است که البته تنها بخشی از این هزینه‌ها مادی است. آنچه این روزها بیشتر باعث نگرانیست هزینه‌های حقوقی و انسانی رژیم صهیونیستی برای هم پیمانانش است. شاید این دست از هزینه‌هاست که وزیر خارجه فرانسه در مخالفت با انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس، این اقدام را تحریک آمیز می‌داند که این پیش‌بینی زیاد هم دور از باور نیست. محمود عباس رییس‌جمهور دولت خودگردان فلسطین درنامه‌ای از ترامپ خواست از انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس خودداری کند چراکه این جا به جایی پیامدهای زیادی از جمله ایجاد ناراضیاتی و اغتشاش در اراضی اشغالی را به دنبال خواهد داشت.

این درحالیست که یکی از اولویت‌های اجرایی سفیر آمریکا در اسرائیل همین انتقال سفارت می‌باشد و فرایند آن از اولین روزهای ماموریتش بر این خواسته اصرار داشته است. آنچه مسلم است، انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس گامی در جهت تغییر پایتخت رژیم صهیونیستی است و آگاهی از همین مسئله موجب می‌شود که گروه‌های فلسطینی نسبت به این مسئله سکوت نکنند و شاید این حرکت شروع زنجیره‌ای از اعتراضات و نهایتاً انتفاضه‌ای دیگر باشد.

